



بهراد مریدی:

به جای آنکه جامعه در فریختگی اضمحلال پیدا کند، فریختگی در جامعه مضمحل شده است

✓ کار مطبوعاتی از هر کار دیگری پویاتر است

گفت و گو: وحید جعفری زاده
vahidjz@tolounews.com

اختصاصی



بهزی و سرکشگی جامعه را نابود می کند.

اگر قومیت ها و خرده
فرهنگ ها را جدی نگیریم،
هویت ملی نخواهیم داشت

امروزه هویت مجازی هم در جامعه به وجود آمده و این باعث می شود تا افراد دچار چندگانگی ذهنی و هویتی شوند و این چندگانگی هویتی را به جامعه تسری دهند، بنابراین ممکن است در جامعه ۱۰ میلیون انسان داشته باشیم اما ۷۰ میلیون هویت بینیم. در این میان هویت قومی بسیار قابل اعتناست. در اوایل انقلاب و حتی قبل از آن مشکلاتی وجود داشت، اما امروز به برکت انقلاب مرزها، انقلاب و کشورمان مستحکم است اما نیازمند یک بازنگری در حوزه فرهنگ وجود دارد. اگر بحث قومیت ها و خرده فرهنگ ها را جدی نگیریم، عملاً هویت ملی نخواهیم داشت و اگر هویت ملی نداشته باشیم تعلق خاطر به مرزها هم وجود نخواهد داشت بنابراین دلیلی هم برای دفاع وجود ندارد. کشور ایران کشوری است با معجون فرهنگی و مشتمل بر تمامی اقوام؛ تعدد خرده فرهنگ ها و هویت های قومی، هویت ملی ما را شکل می دهد و این ریشه ها تله را استحکام می بخشد.

اگر زبان شناسان و مردم شناسان بیاوند و ثابت کنند که شما (اقوام) از این پیکره (کشور) جدا نیستید بلکه عیناً در این پیکره جا دارید، آن ها هویتشان را جدی می گیرند و می توانند در کنار هم تله را قوام دهند. من در مورد لار و منطقه بزرگ لارستان این تصور را داشتم که باید بتواند این هویت را در خود ایجاد کند و امیدوارم این ادای دین را برای جای جای مردم فارس هم بتوانم انجام دهم.

برگزاری همایش بین المللی زبان شناسی و مردم شناسی لارستان از نقاط برجسته و پرنگ روزمه

بهزاد مریدی دانش آموخته دکترای زبان شناسی همگانی از دانشگاه دولتی ایروان ارمنستان و دانشجوی فوق دکترای فلسفه و زبان ارتباطات از دانشگاه دولتی مسکو روسیه است. او که اصالت لاری دارد، عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور شیراز و مدیر گروه زبان شناسی این دانشگاه است.

مریدی همبند مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان فارس است اما در کارنامه خود پژوهش های متعددی در رشته های تخصصی خود دارد.

آنچه در ادامه می خوانید حاصل گفت و گویی است که فارغ از سمت سازمانی اش و صرفاً به عنوان یک شخصیت حقیقی با او داشتیم.

شما در مراسم رونمایی از ۹ جلد از کتابهایتان در لارستان گفتید "این کتابها ادای دینی است به مردم خوب لارستان" به نظر شما اینگونه کتابها و پژوهش های قومیتی چه تأثیری می تواند در جامعه داشته باشد؟

به واسطه تعلق خاطری که به بحث زبان داشتم، ارتباط ناگسستی آن را با بحث هویت دنبال می کردم. در سال های حضورم در خارج از کشور این بحث را بیشتر لمس کردم و مسائل هویتی مرا بیشتر درگیر کرد. سرکشگی مسئله ای است که در کشور ما در همه ابعاد زندگی مردم نمود دارد و ریشه های آن هم در حوزه هویتی است، هویت شاخه های گوناگونی مانند هویت فردی، هویت جمعی، هویت صنفی، هویت قومی، هویت ملی، هویت دینی و... دارد که امروزه در هر نسل چند هویت جدید متولد می شود، هر کدام از این هویت ها از ابعاد مختلفی قابل بحث است. به عنوان مثال در بحث هویت صنفی یکی از مسائل مبتلا به جامعه ما این است که بسیاری از افراد می خواهند نقش دیگری را داشته باشند و ادای دیگری را درآورند؛ به جای آنکه جامعه در فریختگی اضمحلال پیدا کند، فریختگان در جامعه مضمحل می شوند و این بسیار دردناک است. این بی

شماست؛ پس از کسب این تجربه، چه میزان این ظرفیت را می بینید که چنین اتفاق هایی در سایر نقاط استان هم بیفتد؟

با پدید آمدن هویت مجازی در
جامعه ۱۰ میلیون انسان ولی
۷۰ میلیون هویت می بینیم

فارس یک ایران کوچک شده است و قومیت های مختلفی را در خود جای داده است که این مسئله فارس را از سایر استان ها و شیراز را از سایر کلانشهرها متمایز می کند. در برخی کلانشهرها مانند تبریز و اصفهان تعداد اقوام وجود ندارد و در برخی دیگر کلانشهرها مانند مشهد و تهران، مهاجران اضمحلال پیدا کرده اند یعنی مشهدی یا تهرانی شده اند. اما در شیراز وضعیت به گونه دیگری است و هر کس اصل و ریشه خود را حفظ کرده که این مساله هم خوب است و هم بد. خوب از این جهت که هر کس توانسته هویت قومی خود را نگه دارد و بد از آن جهت که تمام مطالبات قومی و گروهی را هم برای خود حفظ کرده است و این مسئله می تواند مانع تحقق توسعه یافتگی شود. در واقع ما در شیراز در شهری با دیوارهای بلند قومیتی در کنار هم زندگی می کنیم؛ برای اینکه توسعه را ایجاد کنیم گریزی نیست مگر اینکه دیوار را کوتاه کنیم یعنی همان کاری که در کرج و تهران و مشهد انجام شده است، متأسفانه ما یک مدل توسعه یافتگی نداریم.

ما باید اول باور کنیم که در یک مملکت مقتدر و

ارزشمند به نام ایران هستیم، دوم در شهری بسیار ریشه ای به نام شیراز هستیم و باید در کنار هم حرکت کنیم.

بنابراین به اعتقاد من بحث زبان شناسی و مردم شناسی و به طور کل قومیت ها و فرهنگ ها می تواند بسیار مبارک تر از برگزاری بزرگداشت پیگیری شود چرا که یک کار کاملاً ریشه ای است و گسیختگی را از بین می برد و می تواند منجر به افزایش تعلق خاطر مردم به مرزها شود.

جناب عالی در سال ۸۹ در پروژه ای به نام "الگوی همسازی شیعه و سنی در جنوب ایران" همکاری داشته اید، سرانجام این پروژه به کجا رسید؟

متأسفانه این پروژه به نتیجه نرسیده چون رویکرد دستگاهی که با آن ها کار می کردیم، عوض شد ولی مجدداً در حال پیگیری آن هستیم و می خواهیم به طور جد آن را به نتیجه برسانیم چون عقیده داریم که کار ارزشمندی است و می تواند برای وحدت و انسجام جامعه ما بسیار موثر واقع شود.

چگونه می توان این مدل را در عمل اثرگذار کرد؟

وقتی یک مدل وجود داشته باشد، می توان بر اساس آن تم ساخت و در قالب آثار فرهنگی و هنری تولید محتوا را انجام داد؛ اگر این کار انجام شود قطعاً تأثیرگذار خواهد بود.

شما سابقه کار مطبوعاتی به عنوان سردبیر هفته نامه در لارستان داشته اید؛ کار مطبوعاتی چگونه است؟

در آن سال ها (سال ۷۹) سعی کردیم علی رغم همه های موجود، رویکردی انتقادی و صریح داشته باشیم و بابت آن شبانه روز تلاش می کردیم. کار مطبوعاتی کاری پرهیجان است که دقت نظر زیادی را می طلبد،

از هر کار دیگری پویاتر است هر روز شما می تواند با روز دیگر فرق داشته باشد. فکر می کنم کسانی که در مطبوعات فعالیت می کنند همیشه ذهن فعالی خواهند داشت و هیچگاه آلازم نمی گیرند!! کار مطبوعاتی کاری پراسترس است که ذهن را قوی می کند چون باید در یک زمان بر روی موضوعات مختلفی تمرکز داشت.

شما خودتان یک پژوهشگر و استاد دانشگاه هستید، بسیاری از پژوهش ها در کشور ما به پایان نامه ها و یا همایش ها محدود می شود که عمده آن ها پس از پایان کار پایانگانی می شوند؛ راهکار شما برای عملی کردن نتایج پژوهش ها چیست؟

گرچه در کشورهای دیگر، از پژوهش های محض به پژوهش های کاربردی می رسند اما در کشور ما به واسطه نداشتن های مالی، نگاه ما عمدتاً به پژوهش های کاربردی است. ضمیمه برخی از پژوهش ها یک گزارش راهبردی است، این گزارش های ۱۰ الی ۲۰ صفحه ای در واقع نسخه پیچیده ای شده ای هستند برای اجرا. به اعتقاد من وجود این گزارش های کاربردی در کنار پژوهش ها می تواند بسیار راهگشا باشد، بی تردید مدیران ما علاقمند هستند که در حوزه های مختلف به آن ها نسخه داده شود.

برای مشاهده اظهارات بهزاد مریدی در خصوص روزنامه طلوع ویدئوی ضمیمه شده به این مطلب را از طریق بارکد بالای صفحه دریافت کنید.



اکنون نیز با ما قرارداد بسته اند و تا زمانیکه به کار مشاوره مشغولیم، می توانیم از آن استفاده کنیم.

ما به دنبال ایجاد چند کانون در سراسر شیراز هستیم و اگر مسئولین در جنوب شهر، ساختمانی به ما بدهند کار خود را سریع شروع می کنیم؛ حتی اگر مکان داده شده، قدیمی یا حتی در خیابان اصلی هم نباشد، مهم نیست. ما می توانیم با تابلوهای راهنما مردم را به سمت آن هدایت کنیم.

متأسفانه تا کنون با وجود مکاتبات زیاد، کسی جواب ما را نداده و این در حالی است که همه قبول دارند که کار مشاوره، یک حرکت فرهنگی بزرگ به شمار می آید و مردم شهر به آن نیاز دارند ولی کمک کردن آنها در حد چند برگ کاغذ هم نبوده است. در حال حاضر این مکان با کمک خیرین و آیت الله مکارم شیرازی می چرخد.

محمد فتاح با بیان اینکه ما با کمک خدا تا این مرحله پیش رفته ایم، گفت: اگر مسئولان در زمینه تبلیغات برای این کار، ما را یاری کنند ما آماده دادن مشاوره های رایگان به افراد زیادی از همشهریان هستیم. فتاح با بیان اینکه ما همواره از هر قشر و گروهی مراجعه کننده داریم، گفت: تجربه کاری در این مرکز به من ثابت کرده که مهمترین چیز در کار، شیوه برخورد مشاوره دهنده با افراد است؛ اینکه آنها چه طور بتوانند افراد را جذب و با واقعیت های زندگی آشنا نمایند. برای مثال برخی از افراد چندان تمایلی برای رفتن پیش مشاوران روحانی ما ندارند ولی بعد از یک جلسه چنان مجذوب علم و رفتار آنها می شوند که خواهان دیدار دوباره آنها هستند.

برای همین ما در اینجا از هر قشر و گروهی، مراجعه کننده داریم. انگیزه این افراد نیز متفاوت است بعضی ها مشکل

باید بنشینیم تا مردم به سراغ ما بیایند
zare.kh@tolounews.com
مريم زارع خفري
قسمت دوم و پایانی



عکاس: الهه پور حسین / سرویس عکس روزنامه طلوع